
A Conceptual Framework for Sustainable Rural Housing Development, Based on the Theoretical Orientation of Scientific Articles¹

Zohreh Sadeghi¹, Farhad Azizpour*², Asghar Tahmasebi³, Mohsen Sartipour⁴

¹ PhD student in Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University of Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Rural Geography and Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University of Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Rural Geography and Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University of Tehran, Iran

⁴ Professor of Architecture and member of Rural Architecture Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received Date: 15 January 2022 **Accepted Date:** 12 March 2022

Abstract

Housing is a social, cultural, economic and spatial-physical phenomenon that is established with the aim of providing suitable living conditions. One of the issues that has attracted a lot of attention is sustainable housing in line with human development. The present study aims to provide a conceptual framework for sustainable rural housing in Iran based on the theoretical orientation of scientific articles. For this purpose, the content of 47 scientific articles related to the subject of rural housing development in Iran, which were published in domestic journals and conferences in the period 2007-2017, were reviewed and analyzed using a qualitative research method based on the meta-combination method. Findings, the research shows that the conceptual framework of integrated rural housing development is the most appropriate framework for exploitation in rural housing development planning, which often includes key features emphasized in the reviewed articles. Proposed framework of components of environmental adaptation, energy efficiency, having a sense of vitality, sense of meaning, human unity and realism, appropriateness to the social status of villagers, participation of rural community, financial affordability in construction, housing maintenance costs, job creation in The housing market considers access to services, having a spatial spirit and identity, durability and durability of construction materials in the form of five dimensions of environmental, economic, socio-cultural, psychosocial and physical-spatial.

Keywords: Rural Housing, Sustainable Housing, Post-Modernism, Rural Settlements.

¹ This article is extracted from the doctoral thesis entitled "**Identification and "Conceptual framework of rural housing development based on the theoretical orientation of scientific articles"**" of the first author's with the Supervisor of the Second and Third author's and the Advisor of Fourth author's, Department of Rural Geography and Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University of Tehran.

* Corresponding Author: azizpourf@yahoo.com

Cite this article: Sadeghi, Z., Azizpour, F., Tahmasebi, A., Sartipour, M. (2022). "A Conceptual framework of rural housing development based on the theoretical orientation of scientific articles". *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(4), 1-22.

چارچوب مفهومی توسعه مسکن روستایی پایدار مبتنی بر جهت‌گیری نظری مقاله‌های علمی^۱

زهره صادقی^۱، فرهاد عزیزپور^{۲*}، اصغر طهماسبی^۳، محسن سرتیپی پور^۴

۱. دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴. استادگروه معماری و عضو هسته پژوهشی معماری روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

مسکن پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مکانی-کالبدی است که با هدف فراهم کردن شرایط مناسب زیست و زندگی برپا می‌شود. یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته، مسکن پایدار همگام با توسعه انسانی است. پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوب مفهومی مسکن روستایی پایدار در ایران مبتنی بر جهت‌گیری نظری مقاله‌های علمی تهیه شده است. بدین منظور محتوای تعداد ۴۷ مقاله علمی مرتبط با موضوع توسعه مسکن روستایی در ایران که در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۶ در نشریات و کنفرانس‌های داخلی به چاپ رسیده بودند، با بهره‌گیری از روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش فرا ترکیب، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب مفهومی توسعه یکپارچه مسکن روستایی، مناسب‌ترین چارچوب برای بهره‌برداری در برنامه‌ریزی توسعه مسکن روستایی است که اغلب ویژگی‌هایی کلیدی مورد تاکید در مقالات مورد بررسی را در بر می‌گیرد. چارچوب پیشنهادی مؤلفه‌های انطباق‌پذیری با محیط زیست، بهینه‌گی در مصرف انرژی، داشتن احساس سرزندگی، خاطره معنا، وحدت انسانی و واقع‌بودگی، مناسبت با موقعیت اجتماعی روستاییان، مشارکت جامعه روستایی، استطاعت مالی در ساخت، هزینه‌نگهداری مسکن، اشتغالزایی در بازار مسکن، دسترسی به خدمات، داشتن روح و هویت مکانی، دوام و ماندگاری مصالح ساخت راه، در قالب پنج بعد محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی و کالبدی-فضایی مورد توجه قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مسکن، مسکن پایدار، فرانواگرایی، سکونتگاه‌های روستایی.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان چارچوب مفهومی توسعه مسکن روستایی پایدار مبتنی بر جهت‌گیری نظری مقاله‌های علمی نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی تهران است.

* نویسنده مسئول: azizpourf@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: صادقی، زهره، عزیزپور، فرهاد؛ طهماسبی، اصغر، سرتیپی پور، محسن. (۱۴۰۰). چارچوب مفهومی توسعه مسکن روستایی پایدار مبتنی بر جهت‌گیری نظری مقاله‌های علمی. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۴)، ۱-۲۲.

مقدمه و بیان مسأله

بیش‌ترین تغییرات بحرانی قرن اخیر در حوزه مسکن روستایی از رویکردهای گوناگون مدرن مشتق می‌شوند. در حال حاضر این مشکلات، نشات گرفته از همین رویکردهای نوگرایانه در حال رشد، در سرتاسر جهان است (ثقفی، ۱۳۸۲: ۳۲). با ورود مدرنیزاسیون، روستاییان از فضای سنتی خود خارج و به سرعت پذیرای دگرگونی‌ها شدند. در بسیاری از جاها این تحولات کالبدی در روستاها همخوانی چندانی با عوامل طبیعی، فرهنگ و نوع اقتصاد حاکم بر این کانون‌های سکونتگاهی ندارد (فتاحی، ۱۳۹۵: ۷) و این عدم هماهنگی گامی در جهت عکس‌مسیر تحقق توسعه پایدار روستایی تلقی می‌شود (علی‌الحسینی و راهب، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

در مسکن سنتی سازگاری همه‌جانبه‌ای میان کلیه اجزاء درونی و بیرونی روستاها وجود داشته است و باید به ساماندهی مجدد مسکن روستایی متناسب با شرایط روز پرداخته شود، نه این‌که با الگوبرداری ناقص و یا اشتباه از ساختمان شهرهای بزرگ ساخته شود (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴).

در سال‌های اخیر یکی از مسائلی که به شدت توجه متخصصان را به خود معطوف داشته است، مسکن و توسعه پایدار است. بین توسعه پایدار روستایی و مسکن ارتباط و پیوندی نزدیک وجود دارد و جامعه‌ای که نتواند مسکن مناسب داشته باشد، نمی‌تواند به توسعه پایدار برسد. مسکن پایدار به مسکنی می‌گویند که کمترین ناسازگاری و مغایرت با محیط پیرامون خود و در پهنه‌ی وسیع‌تر منطقه و جهان دارد (Mlecnik, 2013:44).

مسکن روستایی فرانوگرا، رویکردی است جدید که همه‌ی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد و در رسیدن به توسعه پایدار نقش مهمی ایفا می‌کند. همه‌کشورها سعی بر آن دارند که مسکن از طریق نگرش‌های فرانوگرایانه، آن فرسودگی کالبدی و عملکردی فضایش را از بین ببرند و از طریق بهبود شرایط زیست‌محیطی و ایجاد هویت، به ارتقاء فرهنگی و بهبود شرایط اقتصادی مسکن و حتی بهبود سطح زندگی دست یابند.

یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران حوزه مسکن پرداختن به نگرش‌ها و وجوه مختلف مسکن پایدار و مولفه‌های اصلی آن است. اما جستجو برای دستیابی به مسکن پایدار نیازمند ایجاد چارچوب‌هایی منسجم برای فعالیت و درک مفاهیم است. هم‌چنین از آن‌جایی که نگرش‌های متفاوت در رقابت هستند تا تصور خود را از مسکن پایدار روستایی ارائه کنند، پرسش مهم این است که، امروزه چه تصویری از مسکن پایدار روستایی رایج است؟ از این رو پژوهش حاضر تلاش دارد تا با فرا ترکیب پژوهش‌های مربوط به مسکن پایدار در مقیاس روستایی، چشم‌اندازی از کم و کیف این مهم ارائه دهد و با ارزیابی جریان‌های نظری و مدل‌های مطرح در مقاله‌های علمی چارچوبی جدید استخراج نماید و در این راستا دو پرسش فرعی مورد توجه قرار گرفتند.

- مشخصات عمومی و ساختاری پژوهش‌های توسعه مسکن روستایی چیست؟
- مبتنی بر جهت‌گیری مفهومی پژوهش‌های توسعه مسکن، چارچوب مفهومی مطلوب مسکن روستایی باید از چه خصایص برخوردار باشد؟

مبانی نظری

می توان تاریخچه توجه به مسکن را به سه بخش کلی تقسیم نمود.

بخش اول مربوطه به دوره پس از انقلاب صنعتی

در این دوره، رویکردهای نوگرایانه بر توسعه مسکن مسلط گردید. جهت گیری سیاستی مبتنی بر این نگرش، زمینه ساز بروز آسیب هایی همچون ناهنجاریهای کالبدی، دگرگوش کارکردی مسکن و سایش زمینه های رشد اقتصاد خانوار، چالش انرژی و دست اندازی به طبیعت و تخریب آن، برهم زندگی فضای اجتماعی و القای ناکارآمدی سکونتگاه های روستایی شد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۳: ۱-۲)

بخش دوم مربوط به برنامه های راهبردی مسکن

در پی انتقاد به طرح های موجود و متعاقب دیدگاه نوگرا از حدود ۱۹۶۰ دانش و عمل برنامه ریزی (مسکن) به سمت برنامه ریزی های راهبردی تمایل یافت (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۳). همین امر سبب شد تا سیاست گذاران مسکن همواره نسبت به پژوهش های نوگرایانه ارزیابی انتقادی داشته باشند. این نوع انتقاد گرایي در گام نخست، می تواند تحت تاثیر دو مسیرکلی فکری جدید؛ نخست اندیشه هایی که به دنبال درک طبیعت هستند یعنی بر این مساله اشاره دارند که فراهم آوردن ارتباط انسان با طبیعت امر مهمی است که می تواند به عنوان یکی از معیارهای مسکن مطلوب مطرح شود (Fateh et al, 2011: 30)

در حقیقت مسکن مجاور با طبیعت دارای فواید بیشماری برای سلامتی جوامع و اسایش آنهاست و همچنین این نوع مسکن سازگاری بصری با طبیعت دارد و دوم؛ اندیشه هایی که به دنبال درک از توسعه و رشد پایدار هستند، قرار گیرند. در تقابل با این معضلات و چالش ها بود که بحث مسکن پایدار مطرح شد و جستجو برای پایداری یا تلاش برای مبارزه با ناپایداری به یکی از اصلی ترین برنامه های مسکن بدل شد. با توجه به بررسی انجام گرفته، تحول فکری در حوزه مسکن در چارچوب جدول زیر ارایه شده است:

بخش سوم مربوط به برنامه های فرایندی مسکن: در نهایت از دهه ۱۹۸۰ انواع برنامه ریزی فرایندی مطرح شد. در حقیقت برنامه ریزی مسکن در چارچوب پست مدرنیسم به دنبال تعریف و قالبی مناسب می گردد و در این مسیر با راهبرهای توسعه پایدار همسو می شود. نکته مهم اینجاست که توجه به ویژگی های بومی و نیازهای محلی در برنامه ریزی به شدت تقویت می گردد و اینها، رویکرد به سمت توسعه پایدار را ضروری می نماید (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۷).

جدول ۱. جمع بندی اندیشه ها و رویکردهای توسعه پایدار و طبیعت محور به مسکن مناسب

رویکردها	اندیشمندان	اصول حاکم بر رویکردها
رویکرد به سمت توسعه پایدار	مالین و میلز، ۲۰۰۹؛ چيو، ۲۰۰۶؛ دنبیل، ۲۰۰۵؛ چارلز، ۲۰۰۷؛ ایبم و ادوو، ۲۰۱۵؛ کلرت، ۲۰۰۸؛ سرتیپی پور و همکاران، ۱۳۹۸	برآورده ساختن کارایی منابع طبیعی انرژی، ایجاد محلاتی جاذب و ایمن؛ در هم بافتگی جنبه های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی؛ رسمیت شناختن هر سه ضلع مثلث هوشمند یعنی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی؛ از لحاظ اقتصادی تناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان پذیر، مستحکم و سازگار با محیط زیست؛ دستیابی به توسعه فیزیکی و اقتصادی، کاهش بلایای طبیعی و ایجاد اشتغال ایجاد ثروت و توسعه پایدار؛ مسکنی که اغلب از منظر صرفه جویی انرژی و به مثابه مسکن سبز، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، پایداری و دوام سازه ای، میزان دوام مصالح به کار رفته در پی ساختمان، میزان استفاده از مصالح بومی، روشنایی و تهویه مناسب؛ فراهم کننده آسایش، رفاه، ثبات اقتصادی و بهزیستی خانواده...
رویکردهای به سمت طبیعت محور	2008، کلرت.	استفاده از مصالح طبیعی، استفاده از گیاهان، نور طبیعی و تهویه طبیعی، نمادها و نشانه های طبیعی در فضای داخلی و بیرونی مسکن، تزئینات نما
		سرتیپی پور، ۱۳۹۸: ۳۱؛ قلمبردزفولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸، میری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۱؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳؛ زیاری و قاسموند، ۱۳۹۵: ۲۱۳. مالین و میلز، ۲۰۰۹: ۴۲۷؛ چيو، ۲۰۰۶: ۶۵؛ دنبیل، ۲۰۰۵: ۴؛ چارلز، ۲۰۰۷: ۳؛ ایبم و ادوو، ۲۰۱۵؛ کلرت، ۲۰۰۸.

پیشینه پژوهش

با توجه به ماهیت این پژوهش، برای ارائه چهارچوب مفهومی، تحقیقات مختلفی در رابطه با موضوع، شناسایی شده است که به طور خلاصه به برخی از منابع و مطالعات در جدول ۲ اشاره می شود.

جدول ۲. پیشینه مطالعات پیرامون مسکن مناسب در مقیاس روستایی در داخل کشور

نویسندگان	سال	یافته های پژوهش
سعیدی و احمدی	۱۳۹۰	خانه های روستایی بیشتر بر عوامل و نیروهای درونی جامعه روستایی استوار بود. در پی دگرگونی های اخیر فضاهای روستایی نیز دستخوش تحول و دگرگونی شده اند.
سرتیپی پور	۱۳۹۰	کلید فهم خانه های روستایی وابسته با شناخت فضاهاست و از این طریق باید فضای مطلوب برای زندگی روستایی بوجود آورد گر چه خانه های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته اما شکل و سازماندهی این خانه ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه

1 - Maliene&Mayls ,2009

2 - Chiu, 2006

3 - Danbil et al, 2005

4 - Charles, 2007

5 - Ibem & Aduwo, 2015

6 - Kellert,2008

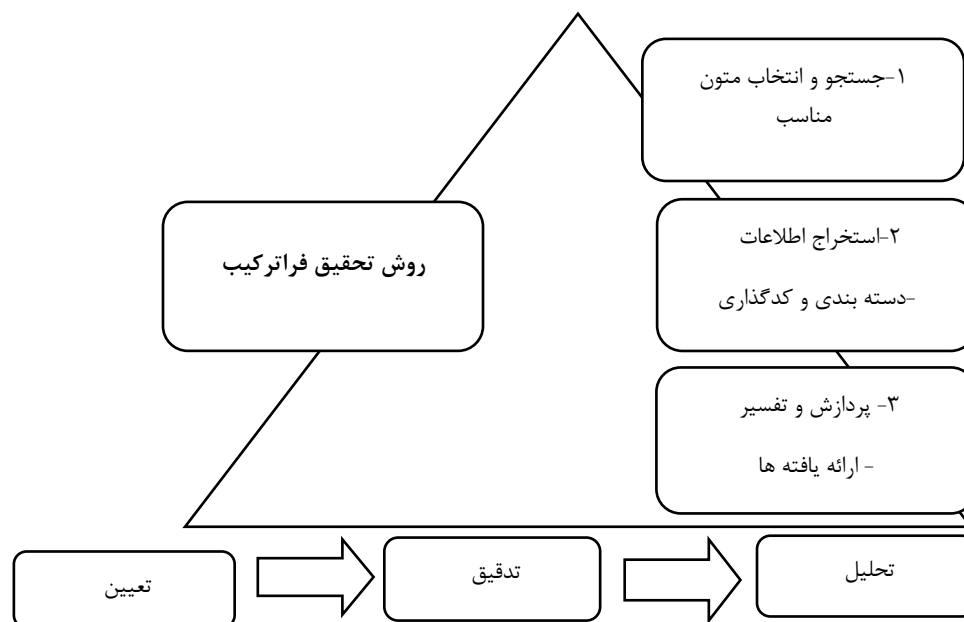
در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین کننده ای در شکل گیری آنها داشته است.	۱۳۹۲	سعیدی و همکاران
بیشترین فضای مساکن روستایی، اختصاص به فضای زیستی- معیشتی داشته که با توجه به اجرای طرح نوسازی مسکن روستایی این فضا به فضای زیستی تغییر ماهیت داده است. در حقیقت با مدرن شدن مساکن روستایی به تبعیت از سبک و الگوی مسکن شهری و تغییرات در کمیت و کیفیت فضا، مساکن با شدت بیشتری به سوی تغییر کارکرد و گرایش به کارکرد زیستی تغییر گرایش داده اند.	۱۳۹۲	بسحافی و همکاران
در این زمینه نشان می دهد که مساکن روستاهای منطقه مورد مطالعه در هیچ کدام از عامل ها در شرایط پایداری قرار ندارند؛ به گونه ای که عامل های اقتصادی، رفاهی و استحکام بنا در شرایط متوسطی (تا حدی پایدار) بوده اند و عامل همسازی با محیط زیست و بهره وری در شرایطی ناپایدار قرار داشته اند.	۱۳۹۴	بذر افشان و همکاران
پایداری مسکن در مناطق روستایی فقط تحت تاثیر عواملی همچون استحکام بنا یا امکانات نمی باشد بلکه ترکیبی از عوامل در دست یابی به پایداری مسکن در مناطق روستایی موثر هستند از این رو توجه به این عوامل در برنامه ریزی ها ضروری به نظر می رسد.	۱۳۹۶	سنایی مقدم و همکاران
با بررسی و تحلیل عوامل موثر بر پایداری مسکن روستایی بیان می دارند که عوامل محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی منطقه در پایداری مسکن روستایی اثر گذار بوده است. در بین این عوامل بعد کالبدی بیشترین نقش و بعد اجتماعی کمترین نقش را در پایداری مسکن روستایی داشته است.	۱۳۹۶	عزیز پور و اسماعیلی
فضای معیشتی در چارچوب طرح مقاوم سازی به طور کامل حذف شده است. وجود فضاهای معیشتی فعال در محدوده مورد مطالعه، صرفاً مربوط به خانوارهایی است که از وام مقاوم سازی و بهسازی مسکن روستایی استفاده نکرده اند و یا با ساختار شکنی حقوقی از چارچوب طرح توانسته اند، فضاهای معیشتی واحد مسکونی خود را حفظ نمایند	۱۳۹۷	عزیز پور و صادقی
تحولات کمی و کیفی بوجود آمده در واحدهای مسکونی جدید در انطباق با نیاز غالب روستائیان (خانوارهای نمونه) بوده است. طرح در عین برخورداری از اثرات مثبت در کمیت و کیفیت مسکن روستایی، از جنبه نوع نگرش و مدیریت اجرا نیازمند بازنگری و اصلاح است.	۱۳۹۷	رومیانی و همکاران

روش پژوهش

این پژوهش با روش اسنادی، سوابق مطالعاتی در حوزه مسکن روستایی در نشریات علمی-پژوهشی و کنفرانس های ملی را تجزیه و تحلیل می کند. طرح تحقیق پژوهش پیش رو بر

مبنای روش کیفی شکل گرفته است. به منظور پاسخ به هدف و پرسش های مطرح در این پژوهش، از طرح فرا ترکیب پاترسون و همکاران (۲۰۰۱) به عنوان راهبرد پژوهش استفاده شد. فرا ترکیب، بر مطالعه های کیفی که مبانی نظری وسیعی را شامل نمی شود تمرکز دارد و به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته ها، یک ترکیب تفسیری از یافته ها را خلق می کند (زیمر، ۲۰۰۶).

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر در سه مرحله، تعیین، تدقیق و تفهیم انجام شده است. در مرحله تعیین، تمامی اطلاعات موجود درباره پژوهش (از ۴۷ مقاله با موضوع مسکن مناسب و پایدار روستا) جمع آوری و برداشت شد. با جستجو اینترنتی در پایگاه های اطلاعاتی داخلی نظیر سایت تخصصی هنرهای زیبا، مسکن و محیط روستا، پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، سیولیلیکا و موتور جستجوی گوگل و با استفاده از کلمات کلیدی، مسکن مناسب، مسکن پایدار و معیارها آن و توسعه مسکن نسبت به جمع آوری پژوهش های منتشر شده اقدام شود. اما از آنجایی که دسترسی به محتوای طرح های پژوهشی و پایان نامه ها در موارد بسیار برای پژوهشگر با محدودیت رو به رو بود و لازمه چنین پژوهشی، بررسی چندین باره از محتوای مطالعات است، لذا تصمیم بر آن شد که جامعه آماری این پژوهش از مقاله های چاپ شده در فصلنامه ها و کنفرانس های داخلی انتخاب شود. از این رو در پاسخ به سوال اول پژوهش از ۱۰۰ مطالعه، ۴۷ مقاله چاپ شده با محوریت موضعی مسکن مناسب و پایدار در مقیاس روستا در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۹ شناسایی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب شد.



شکل ۱. فرایند پژوهش

تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های پژوهش پیش رو در دو بخش ساختاری و محتوایی ارائه شده اند. بخش ساختاری در پاسخ به سوال اول پژوهش به بررسی ویژگی های عمومی مقاله های انتخاب شده پرداخته است. از رهگذر این بررسی، وضعیت عمومی مقاله های مورد بررسی شده مسکن مناسب را ترسیم نماید. بخش محتوایی پژوهش نیز در پاسخ به پرسش دوم چارچوب نظری پژوهش های صورت گرفته در زمینه توسعه مسکن را به تفصیل تبیین نموده است.

خصایص ساختاری مقاله ها

حوزه تخصصی مجریان پژوهش ۴۷ مقاله مورد مطالعه، در حوزه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، حوزه شهرسازی و مدیریت شهری به انجام رسیده اند و بررسی ساختاری مقالات نشان می دهد که عنوان مسکن مناسب روستایی با استقبال روبرو بوده است. در حقیقت این روند در طول زمان برای متخصصان به ویژه جغرافیا و برنامه ریزی در مقیاس روستا روندی افزایشی داشته است. چنانچه این مهم از منظر متخصصان در چارچوب فرانوغرا مورد توجه قرار گیرد، باز هم رویکرد توسعه پایدار روستایی با ۲۰ مقاله (۴۲ درصد) بالاترین سهم از کارهای پژوهشی در حوزه مسکن پایدار و مناسب در مقیاس روستا را به خود اختصاص داده است. رویکردهای پوشش ساختاری- کارکردی با ۶ مقاله (۱۲ درصد)، پدیدار شناسی (۱۰ درصد) و رویکرد اکولوژی عمیق (بیوفیلیک، تکنوسنتریسم و اکوسنتریسم) سهمی برابر ۹ مقاله (۱۹ درصد) در جایگاه بعدی قرار گرفته اند. البته در تصدیق نکات بخش قبلی در این مورد هم در سالهای ۱۳۹۶-۱۳۹۷ گرایش و استقبال بیشتری توسط پژوهشگران مسکن از موضوعات مربوط به مسکن پایدار صورت گرفته است. از دیگر رویکرد مهم در زمینه مسکن مناسب و رویکرد مشارکتی، که سهمی برابر ۴ مقاله (۸ درصد) را به خود اختصاص داده اند، در رتبه آخر قرار گرفته است.

در ارتباط با مبانی نظری، نتایج تحقیق نشان می دهد که (۳۰ درصد) به پیشینه نظری پژوهش توجه نداشته اند و در حقیقت بخش مستقلى که به مباحث نظری پردازد، صورت نگرفته است و یکی از مهمترین دلایل ضعف این مقاله ها، استفاده نادرست و ناآگاهانه و بدون ذکر منبع کامل از پژوهش های سایرین در زمینه مسکن مناسب بود که چرخه معیوبی از اطلاعات و کاربرد آن را در توسعه پژوهش های در این زمینه ایجاد کرده است. با توجه به نتایج بررسی، ۳۰ مقاله از ۴۷ مقاله مورد بررسی (۶۳ درصد) از منظر کیفیت مبانی نظری، خوب ارزیابی شده اند. این مقاله ها در بخش مبانی نظری، از منابع مستند، دست اول و منسجم بهره گرفته بودند. در این راستا می توان به ویژه به مقاله های سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲- الف؛ سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲- ب؛ سعیدی و احمدی، ۱۳۹۰، سرتیپی پور، ۱۳۹۸ و ... اشاره کرد.

فرا تراکیب محتوای مقاله ها

محتوای مقاله های منتخب ذیل مقوله هایی چون رویکرد نظری پژوهش، درک مفهومی مسکن پایدار، مولفه ها یا معیارها مورد بررسی قرار گرفته اند. هر پژوهش علمی باید با رویکردهای نظری مشخصی طراحی شده باشد. این رویکردها، پایه ای هستند که پژوهش بر مبنای آن شکل

می‌گیرد و شبکه‌ای منطقی از روابط و توصیف‌ها را پدید می‌آورد (خاکی، ۱۳۹۶: ۳۰). با توجه به گستردگی و شمول مفهوم توسعه پایدار از یک طرف و موضوع مسکن به عنوان یکی از مهم‌ترین کاربری‌های موجود در روستاها، علاوه بر نظریاتی که به طور مستقیم به پایداری مسکن پرداخته‌اند، نظریاتی نیز وجود دارند که با مطالعه آنها می‌توان به طور غیر مستقیم به موضوع پایداری مسکن دست یافت. در دوره ابتدایی از دهه ۱۹۶۰ به بعد با تغییر دیدگاه از برنامه ریزی جامع و عقلانی، الگوی جدید تحت عنوان برنامه ریزی سیستمی یا برنامه ریزی راهبردی روی کار آمد. در این دوران مسکن خوب همواره موضوعی اساسی و مطرح در بین اندیشمندان بوده است.

اولین رویکرد پوییش ساختاری-کارکردی است. سعیدی نظریه پوییش ساختاری-کارکردی را به عنوان نوعی نگاه به مطالعات مکانی-فضایی مطرح نموده است. مسکن روستایی الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی-فضایی به مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا می‌پردازد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۳۰ ب). سعیدی معتقد به این مساله است که میان ساختار و کارکردهای پدیده‌های مکانی-فضایی نوعی پیوستگی نظام وار حاکم است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷ الف و سیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۱) و پیوستگی ساختاری-کارکردی خود تجلیگاه مجموعه روابط و مناسبات اجتماعی-اقتصادی خویش به شمار می‌آیند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹ الف). او در ادامه اذعان می‌کند که این پدیده (مسکن) در دهه‌های اخیر در معرض دگرگونی قرار گرفته و دگرگونی ساختاری-کارکردی خانه‌های روستایی با تحول معیشت روستاییان همراه می‌شود (سعیدی، احمدی، ۱۳۹۰: ۹؛ سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵ ب). در جهت تاکید مطالب فوق عزیز پور نیز تاکید می‌کند که فقدان توجه لازم به ارتباط بین ساختار و کارکردهای خانه‌های روستایی زمینه ساز ایجاد نوعی دوگانگی بین مسکن و فعالیت‌های بنیادین خانوارهای روستایی می‌شود (عزیز پور، صادقی، ۱۳۹۷: ۷) و این همان پوییشی است که به جای درک ویژگی‌های ساختاری-کارکردی و پیوستگی آن، تحولی در نظام ایجاد کرده است که هویت آن را سلب می‌کند (عزیز پور و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

رویکرد دوم پدیدار شناسی است که از مهمترین موضوعات در رهیافت پارادایم‌های زیستی است؛ در عین حال که یکی از مهمترین اشکال سازمان دهی اجتماعی فضا است (ایلکا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۶). این رویکرد از اواخر دهه هفتاد قرن بیستم (اصلانیان، ۱۳۹۹: ۳۱) همزمان با تفکر فرانوگرایی که در آن نظریه پردازان زیادی در پی بازخوانی انتقادی مدرن بوده‌اند مطرح شد. پدیدار شناسی توانست افق نو به روی درک و دریافت محیط بگشاید (شیرزادی، ۱۳۹۲: ۹۱). از نظر شولتز پدیدار شناسی روشی است بسیار مناسب جهت نفوذ در وجود جهان روزمره (نوربرج-شولتز، ۲۰۰۰: ۱۵)^۱. سرتیپی پور هدف اصلی این رویکرد را بررسی، تحقیق و شناخت مستقیم و بی واسطه پدیده‌ها و بازگشت به سوی خود اشیاء می‌داند او اذعان می‌کند که تفاوت در اشکال مسکن ریشه در تمایزات شیوه زندگی دارد و انسان هویت فردی خود را در خانه بازیابی می‌نماید (سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۵-۸).

^۱ - Norberg- Schulz, 2000

در چارچوب پست مدرنیسم از دهه ۱۹۷۰ بحث فشرده‌گی زمان-مکان مطرح شده است. از طریق بررسی های بوم شناختی که در تکامل آن نظریه زیست محیطی قرار دارد دو مکتب اصلی در آن اهمیت زیادی دارند که عبارتند از اکوستریسم و تکنوستریسم (مثنوی: ۲۰۰۳، ۱۷-۱۶). در حقیقت یکی از رویکردهای مهم اکولوژی و پایداری، اکولوژی عمیق است (شورچه، ۱۳۹۶: ۲۶۲).

به طور کلی، اکولوژی، تعامل و رابطه بین ارگانیسم ها و محیط پیرامون آنها را مطالعه و بررسی می کند (اصغری، ۱۳۹۰: ۴) و مسکن سبز مصنوع و انسان آفرینش بهترین فرایند برای ساخت ساختمان هاست (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵).

بیوفیلیا در مفهوم مشابه به منظور توصیف و توجیه "طلب ناخود آگاه پیوند با سایر ارکان حیات از جانب نوع بشر"، به کار می رود (ویلسون، ۱۹۹۲: ۳۵۰^۲). این رویکرد تشخیص نیاز فطری انسان برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری است (بیطرف، ۱۳۹۶: ۳۳۸) و در پی پیوند دوباره انسان با طبیعت و همچنین ساخت با توجه به طبیعت در ذهن است (کلانتیری، ۱۳۹۵: ۳۸۲؛ عبد الهی، اسلامی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۴؛ بیگی نژاد و عامری صفت، ۱۳۹۵: ۵۰۱). بیوفیلیا همین احساس مثبت انسان ها نسبت به موجودات زنده می باشد (قربانی پرام، و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰۷؛ شریفی و اذر پیرا، ۲۰۱۵^۳).

پس انقلاب صنعتی تکنولوژی بر تمام زوایای زندگی انسان مثل محیط زیست تاثیر شگرفی به جای گذاشت که از آن نام دام تکنولوژی برده شده است (وفامهر و مجیدی، ۱۳۸۶: ۵). هدف از تکنوستریسم علاوه بر استفاده از حداکثر عوامل طبیعی و محیطی بالا بردن سطح کیفیت زندگی برای آیندگان است (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۵۵). این نوع تکنولوژی بر اساس تعامل انسان با محیط است (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۶۰). در ضمن از آنجا که پایداری و ماندگاری خود ساختمان مسکونی به عنوان یک پدیده مدنظر است، لذا ساختن با کیفیت بالا نیز بایستی در نظر گرفته شود (معینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). راهکارهای جدید می تواند در حفظ منابع انرژی تجدید پذیر و سازگار کردن ساختمان با محیط خود را ارائه کند (معینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸-۹).

در نهایت در دهه ۱۹۸۰ متکی بر یکسری اصول مورد پذیرش توسعه پایدار و پارادایم فرانوگرایی است که بحث مشارکت مردمی مطرح می گردد و رویکرد مشارکتی به یکی از مصادیق مهم در دنیای معاصر امروز بدل می شود. از دیدگاه دیویس مشارکت در جامعه، نقش مهمی در ایجاد و توسعه جوامع ما ایفا می کند (دیویس دیو، ۲۰۱۳: ۱^۴؛ فرشچی و ترکی باغبادرانی، ۱۳۹۷: ۳۷).

مردم بایستی در مورد موضوعی که قرار است در آن مشارکت داشته باشند آگاهی یابند آنان نیاز دارند. در مورد گزینه ها اطلاعات کافی داشته باشند تا بتوانند تصمیم بگیرند (نسترن، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

¹ - Masnavi, 2003

² - Wilson, 1992

³ - Sharifi and Azarpira, 2015

⁴ - Davise Dave, 2013

در نهایت می‌توان گفت که بدون تحول و توسعه ای در درون مردم، تلاش و اقدام برای از بین بردن توسعه نیافتگی اگر غیر ممکن نباشد، حداقل با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد بود و چه بسا توسعه و پایداری که زیر ساخت رشد و بهره برداری است، میسر نگردد (راهب، ۱۳۹۳: ۵). با توجه به توضیحات ارائه شده در بالا می‌توان از این پنج رویکرد با عنوان مسکن مناسب و پایدار در چارچوب فرا نوگرا نام برد. رویکرد توسعه پایدار با سهمی برابر (۴۲ درصد) و در حقیقت بیشترین سهم از پژوهش‌های انجام یافته، جریان نظری اصلی در مقاله‌های داخلی در حوزه مسکن پایدار در مقیاس روستا را تشکیل داده است. جریانهای دوم اکولوژی عمیق (۱۹ درصد)، و پوییش ساختاری- کارکردی (سهمی برابر (۱۲ درصد) و سوم جریان‌های نظری پدیدار شناسی (۱۰ درصد) و مشارکت سهمی برابر ۴ مقاله (۸ درصد) از پژوهش‌های انجام یافته، ذیل پارادایم‌های فرانویگرا را به خود اختصاص داده اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که بیشترین استقبال از موضوع مسکن روستایی در زمینه رویکرد توسعه پایدار در سال ۱۳۹۷ با ارائه (۵ مقاله) و در سال ۱۳۹۶ با ارائه ۴ مقاله صورت گرفته است که این مساله دال بر مشاهده ناپایداری مسکن در سکونتگاه‌های روستایی ایران دارد.

بیشترین استقبال از موضوع مسکن روستایی (با دیدگاه پایداری) در میان پژوهشگران به ترتیب در سال ۱۳۹۶ با ارائه ۴ مورد مقاله، و در سال ۱۳۹۷ با ارائه ۵ مورد مقاله صورت گرفته است که این خود نشان از اهمیت یافتن و دغدغه مند شدن متخصصان این حوزه منتج از مشاهده ناپایداری مسکن در روستاهای امروزی است. رویکرد پوییش ساختاری - کارکردی با ارائه ۴ مقاله (۱۳۹۲ و ۱۳۹۷) با استقبال روبرو بوده است و این نشان دهنده اهمیت یافتن رویکردهای مذکور در دهه ۱۳۹۰ است. رویکردهای اکولوژی عمیق با ارائه ۳ مقاله در سال ۱۳۹۵ مورد توجه محققان و متخصصان قرار گرفته است

یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که رویکرد اصلی در مطالعات مسکن رویکرد توسعه پایدار است. از بررسی‌های به عمل آمده در نشریات علمی و کنفرانس‌های ملی که با موضوع مسکن روستایی در ارتباط می‌باشند، چنین بر می‌آید که اولین مقاله ای که در میان مقاله‌های مورد بررسی در زمینه مطالعات مسکن به صورت آکادمیک به مساله پرداخته، به سال ۱۳۸۶ بر می‌گردد که در ژورنال توسعه تکنولوژی به چاپ رسیده است و جدیدترین مقاله‌ها به سال ۱۳۹۹ بر می‌گردد که در نشریه مطالعات هنر اسلامی، نشریه برنامه ریزی توسعه کالبدی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیایی انسانی و فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس انتشار یافته است. جدول شماره ۲ نشان دهنده توزیع زمانی نگرش‌های مسکن روستایی در چارچوب فرانویگراست که نقشی در مسکن پایدار روستایی داشته اند.

جدول ۲. توزیع زمانی استقبال نگرش‌های مسکن مناسب روستایی

سال ها	تعداد	کدها	مقوله ها
۱۳۹۶	۴	رویکرد توسعه پایدار	رویکردهای نظری غالب پژوهش و انواع آن (۴۷) مورد
۱۳۹۷	۵		
۱۳۹۲	۲	پویش ساختاری - کارکردی	
۱۳۹۷	۲		
۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹	۵	پدیدار شناسی	
۱۳۹۵	۳	اکولوژی عمیق	مشارکتی
۱۳۸۹، ۱۳۹۳، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹	۴		

محورهای پژوهش

گسترش فزاینده مشکلات مسکن و ضرورت بر طرف کردن آن لزوم توجه به ریشه های بروز آن را اجتناب ناپذیر می کند، اگر چه امروزه علت این بحران را می توان در نداشتن الگوهای مناسب، بی توجهی به خصوصیات فرهنگی و اجتماعی، نادیده گرفتن ارزش های فضایی، هدر رفتن مواد و مصالح و استفاده نادرست از منابع مالی دانست (سرتیپی پور، ۱۳۸۳: ۲۴).

محورهای پژوهش های مرتبط با مسکن پایدار می تواند به عنوان چراغ راهنمای عمل نموده و میزان شکاف موجود برای دستیابی به توسعه پایدار مسکن روستایی را مشخص کند. هدف این بخش از پژوهش این است مهمترین محورهای مطالعاتی مطرح در مسکن روستایی شناسایی و دسته بندی شود. علی رغم تلاش های صورت گرفته در زمینه بهبود مسکن روستایی به دلایلی از جمله: توجه بیش از اندازه در جهت تحقق کمی مسکن و غفلت از جنبه های کیفی آن، باور نکردن کارشناسان حوزه درگیر با طرح های مسکن بر لزوم اجرای الگوهای متنوع مسکن روستایی و محدودیت اقتصادی از موفقیت همه جانبه و کامل برخوردار نبوده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳۵). مطالب پیش گفته این نکته راهبردی را بازگو می کند که دستیابی به الگوهای از پایدار مسکن روستایی نیازمند مطالعه ای چند وجهی است، بخشی از این مطالعات شناخت ساختارهای کلان محیطی و ریشه تحولات اقتصادی و اجتماعی است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱).

جدول ۳. محورهای موضوعی مقاله های مورد بررسی.

تعداد	کدها	مقوله ها
۶	دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن	محورهای موضوعی پژوهش (۴۷) مورد
۶	ارزیابی مسکن پایدار ، تحلیل مسکن مناسب	
۵	بررسی اصول و معیارهای مسکن مناسب	
۴	بررسی مفاهیم مسکن	
۲	ارائه الگو مسکن، سیاست ها و برنامه ریزی مسکن، بررسی مسکن بومی،	

نقش تکنولوژی مسکن، بررسی شاخص های مسکن	
۱	بررسی فرایند مشارکت مسکن، ارتقاء سطح کیفی، چارچوب مسکن مناسب، چرایی مسکن، مقرون به صرفه بودن مسکن، ساخت مسکن جدید، گزارش زیر ساخت های مسکن و تفسیر مسکن پایدار

در این میان با توجه به نتایج جدول ۳، دگرگونی ساختاری- کارکردی مسکن، ارزیابی و تحلیل مسکن پایدار، مهم ترین محور موضوعی شناسایی شد و در نهایت ساخت مسکن جدید، مقرون به صرفه بودن مسکن، تفسیر مسکن پایدار، مسکن روستایی و گزارش زیرساخت های آن، بررسی فرایند مشارکت مسکن، ارتقاء سطح کیفی مسکن، چارچوب مسکن مناسب و چرایی مسکن کم ترین سهم موضوعی را به خود اختصاص داده اند. در انتهای این بخش و از آنجایی که یکی از روش های مطلوب برای توسعه مبانی نظری پژوهش، تعیین مولفه های موثر بر موضوع پژوهش است، کوشش شد تا مولفه های مورد استفاده در مقاله ها مربوطه استخراج و تفسیر شوند. نکته قابل تامل این است که پژوهش های با رویکرد توسعه پایدار روستایی (۲۰ مقاله) بیش تر کمی بودند، لذا مولفه های عینی تری برای پژوهش ارائه شده بود. در مقاله های ذکر شده به ۴۴ مولفه پرداخته شده است. در ادامه بایستی به این مساله توجه داشت که پژوهش های با رویکرد پویا ساختاری- کارکردی، رویکرد پدیدار شناسی (تجربه زیسته) و رویکردهای مدنیزاسیون اکولوژی و مشارکتی بیش تر کیفی بوده و شاخص های مورد بررسی شان ذهنی تر هستند. از آن جایی که پایداری مسکن به دنبال چرایی و چرایی ان است بایستی پژوهش های بیشتر در قالب یک پژوهش ترکیبی انجام شود در ادامه بایستی به این مساله اشاره داشته باشیم که رویکردهای کمی به نقش ارزش های دورنی و مفاهیم فرهنگی، اجتماعی مسکن اهمیت چندانی نمی دهد و مسلماً به تنهایی نمی تواند به مولفه های بنیادین و ریشه ای مسکن مناسب نیز بپردازد. از طرف دیگر رویکرد کیفی در حوزه مسکن روستایی به نقش ارتباطات فضایی و ویژگی های بصری اهمیت چندانی نمی دهند در این راستا بهتر است برنامه ریزان و سیاست گذاران مسکن روستایی به جنبه های روش شناختی جدید (ترکیبی) در حوزه مسکن روستایی خوب دست یابند.

جدول ۴. مولفه ها و رویکردهای مختلف استخراج شده از مطالعات پژوهشی در خصوص مسکن پایدار روستایی

نویسندگان	مولفه ها	رویکرد
بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛ محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶)؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ بسحاقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ فتاحی و همکاران (۱۳۹۵)؛ سنایی مقدم و محمدی یگانه (۱۳۹۶)؛ بذرافشان و همکاران (۱۳۹۶)؛ رمبانی و همکاران (۱۳۹۷)، اکبر پور و همکاران (۱۳۹۵)؛ طایفی و حاتمی نژاد (۱۳۹۷)	استطاعت مالی خانوار، استفاده از کمک های مالی و ارائه تسهیلات و وام و رضایت از بازپرداخت تسهیلات	رویکرد توسعه پایدار
بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛ محمد یگانه و همکاران (۱۳۹۶)		

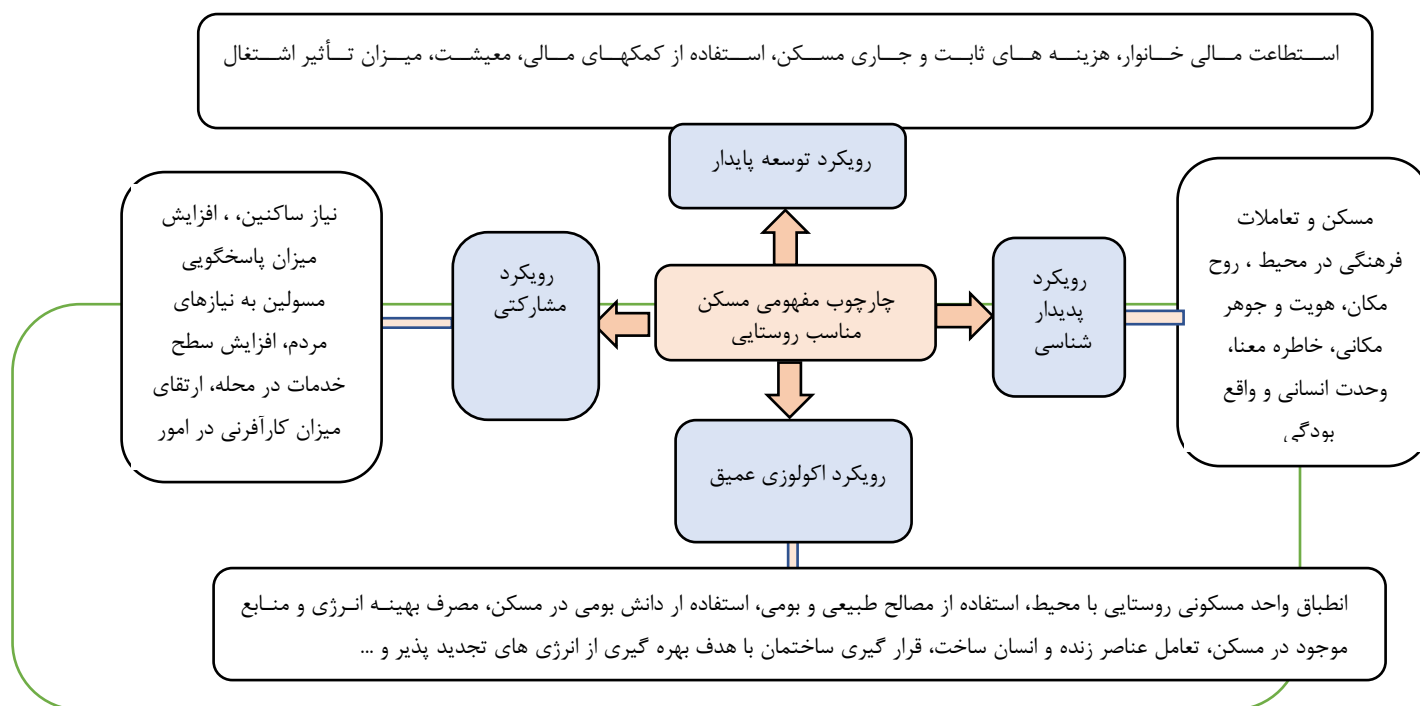
میزان در آمد سالانه و هزینه نگهداری مسکن (جاری و ثابت)	۱۳۹۶؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ فتاحی و همکاران (۱۳۹۵)؛ بذر افشان و همکاران (۱۳۹۶)؛ رمیانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ لطفی و همکاران، (۱۳۸۸).
میزان تاثیر اشتغال در رونق بازار مسکن (تعداد افراد شاغل)، داشتن فضای معیشتی و سازگاری مسکن با معیشت	بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛ محمد یگانه و همکاران (۱۳۹۶)؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ بسحاقی و همکاران (۱۳۹۵).
میزان عرضه و تقاضای مسکن و بهره وری در تولید آن	بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛ بسحاقی و همکاران (۱۳۹۵)، بذر افشان و همکاران (۱۳۹۶)، رمیانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)، فتاحی و همکاران (۱۳۹۵)، طایفی و حاتمی نژاد (۱۳۹۷)
میزان دسترسی به امکانات و خدمات و برخورداریهها	بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛ بسحاقی و همکاران (۱۳۹۵)، برقی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶)، فتاحی (۱۳۹۵)، رمیانی و همکاران (۱۳۹۷)، اکبر پور و همکاران (۱۳۹۵)؛ مرادی اهری (۱۳۹۴)؛ طایفی و حاتمی نژاد (۱۳۹۷)؛
عمر واحد مسکونی و میزان دوام مصالح و مقاوم سازی در برابر زلزله (استحکام)	بذر افشان و همکاران (۱۳۹۶)، رمیانی و همکاران (۱۳۹۷)، بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف و ب)؛، فتاحی (۱۳۹۵)، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶)، بسحاقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ ربیعی فر، ۱۳۹۶؛ مرادی اهری (۱۳۹۴)
و تاثیر واحد مسکونی در تولید مواد زائد بهداشت و تخریب منابع طبیعی	فتاحی (۱۳۹۵)؛ اکبر پور و همکاران (۱۳۹۵)؛ رمیانی و همکاران (۱۳۹۷)، بسحاقی و همکاران (۱۳۹۳- الف)؛ برقی و همکاران (۱۳۹۵)؛ محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶)؛
انطباق واحد مسکونی روستایی با محیط زیست و استفاده از مصالح طبیعی و دانش بومی در مسکن	عبد الهی و اسلامی مقدم (۱۳۹۵)؛ بیگی نژاد و عامری صفات (۱۳۹۵)؛ کلانتری (۱۳۹۵)؛ قربانی پارام و همکاران (۱۳۹۹)؛ بی طرف و همکاران (۱۳۹۶)؛ زهری (۱۳۹۶)؛
مصرف بهینه انرژی و منابع موجود در مسکن و اثرات مخرب زیست محیطی از طرق کاهش پسماند تولید شده	زهری (۱۳۹۶)
قرار گیری ساختمان با هدف بهره گیری از انرژی های تجدید پذیر امکان بازیافت پسماند ها، کاهش مصرف منابع، ذخیره انرژی	زهری (۱۳۹۶)
جاذبه و احساس سرزندگی	قربانی پارام و همکاران (۱۳۹۹)
تقلید از طبیعت و تنوع زیستی	قربانی پارام و همکاران (۱۳۹۹)
استفاده از نور و تهویه طبیعی در بنا	بی طرف و همکاران (۱۳۹۶)
مسکن و تعاملات فرهنگی در محیط	ایلکا و همکاران (۱۳۹۴)؛
*روح مکان، هویت و جوهر مکانی، خاطره معنا	اصلاتیان و همکاران (۱۳۹۹)؛ گلابی و همکاران (۱۳۹۷)
* وحدت انسانی و واقع بودگی	گلابی و همکاران (۱۳۹۷)
افزایش آگاهی مردم از سیاستها و برنامه های زیست محیطی و مسکن	کارزانی و همکاران (۱۳۹۹)

افزایش میزان پاسخگویی مسولین به نیازهای مردم و خواسته های ساکنین	کارزانی و همکاران (۱۳۹۹) و راهب (۱۳۹۳)
افزایش سطح خدمات و ارتقای میزان کار آفرینی	کارزانی و همکاران (۱۳۹۹)

* هر مکانی روح و ویژگی های خاص خودش را دارد. درک آن نیازمند گشودگی بر محیط دریافت خصوصیات آن است.

*. پدیدارشناسی بر وحدت زندگی و مکان تاکید دارد، چنانچه به زعم شولتز، مکان را نمی‌توان به وسیله‌ی مفاهیم تحلیلی و علمی شرح داد، زیرا علم، امور موجود را در قالب انتزاع‌هایی درمی‌آورد که دانش عینی را شکل می‌دهند.

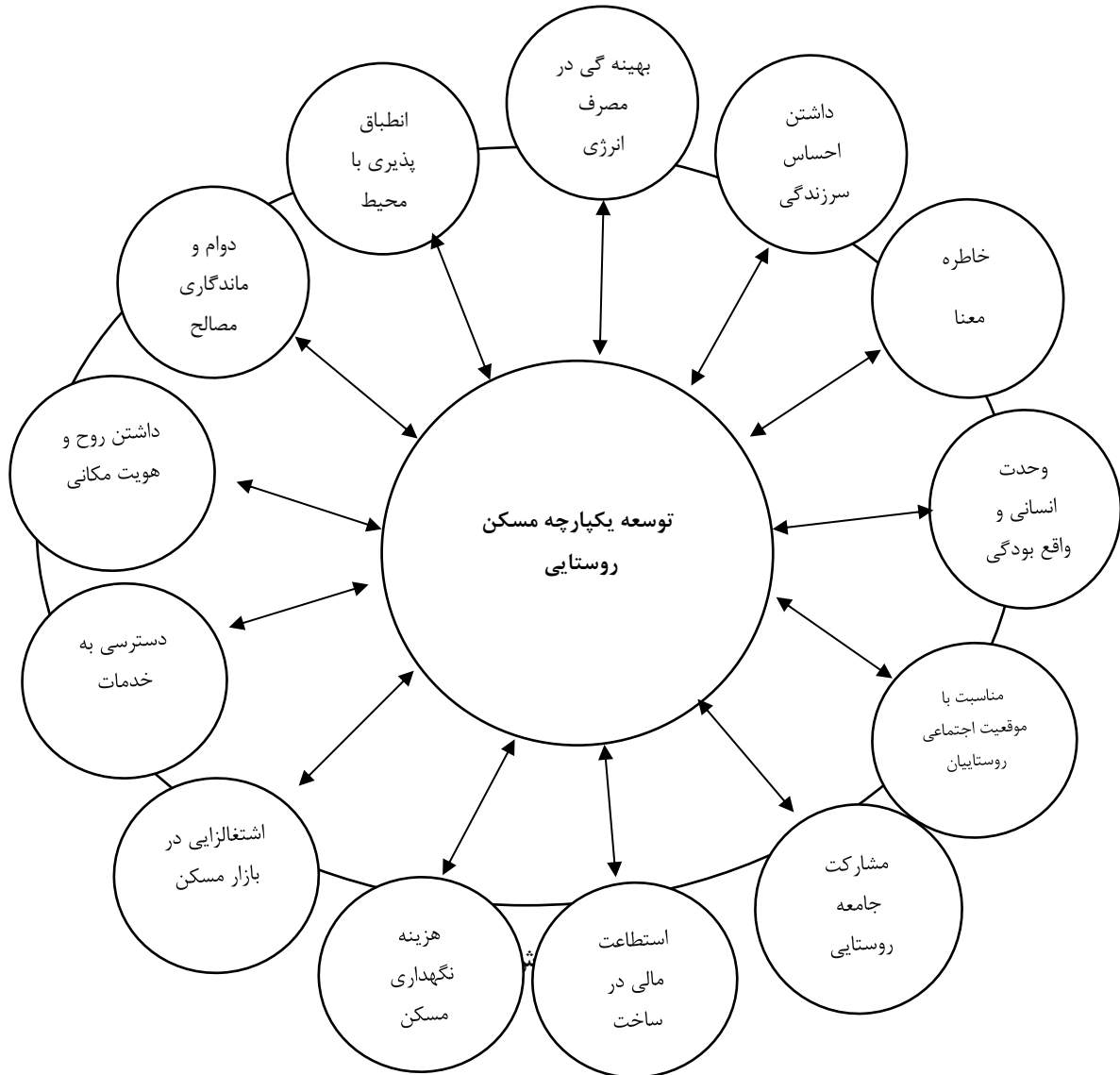
مبتنی بر فراترکیب انجام گرفته، غالب چارچوب‌های بررسی شده، بر چند مولفه تاکید بیش تر داشتند. این مولفه‌ها از ویژگی‌هایی برخوردار هستند که همه ابعاد توسعه مسکن روستایی را پوشش می‌دهند. این رو، گروه تحقیق چارچوب پیشنهادی را در قالب توسعه یکپارچه مسکن روستایی مفهوم سازی نمود. در این چارچوب مولفه‌ها در ۵ بعد زیست محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، روانشناختی و کالبدی - فضایی دسته بندی شده اند (جدول شماره ۵ و شکل شماره ۲).



شکل ۲. چارچوب مفهومی مسکن مناسب

جدول ۵. ابعاد و مولفه های چارچوب توسعه یکپارچه مسکن روستایی

بعد	مولفه ها
زیست محیطی	انطباق پذیری با محیط زیست، بهینه گی در مصرف انرژی؛
روانشاخی	داشتن احساس سرزندگی، خاطره معنا، وحدت انسانی و واقع بودگی
اجتماعی-فرهنگی	مناسبت با موقعیت اجتماعی روستاییان، مشارکت جامعه روستایی
اقتصادی	استطاعت مالی در ساخت، هزینه نگهداری مسکن، اشتغالزایی در بازار مسکن
کالبدی-فضایی	دسترسی به خدمات، داشتن روح و هویت مکانی، دوام و ماندگاری مصالح ساخت؛



شکل ۳. چارچوب مفهومی توسعه یکپارچه مسکن روستایی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

چند نکته اساسی در بررسی و تحلیل روند مشاهده شده در این بخش حائز اهمیت است، نکته اول، تسلط نگرش پایداری در مسکن روستایی مبتنی بر چارچوب فرانویس در پژوهش‌های انجام یافته است. این امر سبب شده است تا بسیاری از پژوهش‌های مسکن مناسب، پایه پژوهش خود را بر تعاریف مسکن از نظر پایداری قرار دهند و برخی از آنها توانسته‌اند به نسبت به عمق نظریه پایداری دست یابند. لذا این مقاله‌ها علاوه بر این که به تعاریف مفهومی از مسکن پایدار روستایی پرداخته‌اند، موفق به استخراج روشمند معیارهای اصیل و مولفه‌ها از منظر پایداری نیز شده‌اند. نکته دوم، در مقاله‌های مورد مطالعه به لنزهای نظری (طبیعت محور که سهمی برابر (۱۹ درصد) و (پویش ساختاری - کارکردی و پدیدار شناسی هر کدام به ترتیب سهمی برابر (۱۲ و ۱۰ درصد) پرداخته شده است. نکته سوم در نهایت رویکرد مشارکتی سهمی برابر (۸ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. لزوم توجه به این رویکرد به شدت احساس می‌شود و هنوز به عمق و گستردگی مورد نظر دست نیافته‌اند. پژوهش در حوزه مسکن پایدار روستایی نیازمند تعمیق و ساماندهی است.

موضوعات پژوهشی، چارچوب نظری و دستاوردهای نظری پژوهش‌های علوم جغرافیایی باید دارای دقت بالای علمی باشند. دستیابی به دقت علمی نیز مدیون پژوهش‌ها با رفع کاستی‌ها، مطالعات بسان بهتری یابند و همچنین این دستاوردهای نظری باید مورد تجدید نظر روش شناختی قرار گیرد. از آنجایی که پایداری مسکن به دنبال چابکی و چرایی آن است بایستی پژوهش‌های پیش‌تر در قالب یک پژوهش ترکیبی انجام شود در ادامه بایستی به این مساله اشاره داشته باشیم که رویکردهای کمی به نقش ارزش‌های دورنی و مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و زیباشناسی مسکن اهمیت چندانی نمی‌دهد و مسلماً به تنهایی نمی‌تواند به مولفه‌های بنیادین و ریشه‌ای مسکن مناسب نیز بپردازد. از طرف دیگر رویکرد کیفی در حوزه مسکن روستایی به نقش ارتباطات فضایی و ویژگی‌های بصری اهمیت چندانی نمی‌دهند در این راستا بهتر است برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مسکن روستایی به جنبه‌های روش شناختی جدید (ترکیبی) در حوزه مسکن روستایی خوب دست یابند.

با توجه به اهمیتی که مسکن پایدار در جوامع روستایی پیدا کرده است پرداختن به مقوله مسکن در توسعه پایدار روستایی به طوری که در بر گیرنده تمام ویژگی‌های یک مسکن تمام عیار باشد اهمیت خاصی می‌یابد. برای رسیدن به نتایج کاربردی از جهات مختلف چون اقتصاد، فرهنگ، معماری سازه و غیره مسکن روستایی باید توجه کرد در حقیقت توسعه و پایداری مسکن موضوعی مجرد و انتزاعی نیست.

برنامه‌ریزان توسعه پایدار در حوزه مسکن هدف اصلی و نهایی خود را معطوف به تحقق تمامی ابعاد و جنبه توسعه پایدار بدانند و در این خصوص تلاش‌های گسترده و دامنه‌داری را برای رسیدن به اهداف متصور به انجام رسانند. در حقیقت از اهداف مهم توسعه پایدار ایجاد تحول مثبت در ابعاد مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی واحدهای مسکونی روستایی است با توجه به مشکلات و نارسایی‌های متعدد در مسکن روستایی ایران ایجاد تحول مثبت در مولفه‌های مورد

نظر با تامین بهره مندی افراد از مسکن مناسب، افزایش میزان توانمندی اقتصادی، توجه به ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، الگوی معماری و کارکردهای تولیدی-تدارکاتی مسکن روستایی زمینه و بستر مناسبی را در تحقق پدیده توسعه پایدار فراهم خواهد نمود. در این راستا بهتر است تأکیدی بر الگوهای تبیینی و هنجاری بسط یافته که یک چارچوب جدید را به همراه دارد ارائه دهند.

منابع و مأخذ

- اصغری، ریحانه، (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای ریشه‌ها و مؤلفه‌های معماری پایدار و معماری اکولوژیک. مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار. مرکز آموزشی و فرهنگی سما همدان. ایران.
- اصلانیان، یاشار؛ ذبیحی، حسین؛ رهبری منش، کمال، (۱۳۹۹). ساختارشناسی مفهومی رضایتمندی مسکن با رویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی: خانه قاجاری شیخ الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان). نشریه مطالعات هنر اسلامی. شماره ۳۷: ۱-۱۸.
- اکبر پور، محمد، جعفری، فیروز، کریمی، یاشار، (۱۳۹۵). واکاوی میزان نگرش مردم از معیارهای مسکن مناسب روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی، شهرستان هسترود). نشریه جغرافیا و برنامه ریزی. شماره ۵۸: ۲۳-۴۲.
- ایلکا، شاهین؛ نصیر سلامی، سید محمد رضا؛ صارمی، سید علی اکبر، (۱۳۹۴). تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی. مدیریت شهری. شماره ۳۹: ۱۸۸-۱۶۵.
- بذر افشان، جواد؛ شایان، محسن؛ بازوند، سجاد، (۱۳۹۶). ارزیابی عوامل تاثیر گذار پایداری مسکن در مناطق روستایی شهرستان زرین دشت. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی. شماره ۶۲: ۴۱-۵۹.
- برقی، حمید؛ آقا امرایی، علی؛ شایان، محسن، (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان معمولان شهرستان پلدختر). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱: ۵۷-۶۴.
- بسحاقی، محمد رضا؛ تقدیسی، احمد؛ آقا امرایی، علی، (۱۳۹۳). بررسی و ارزیابی پایداری مسکن روستایی مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پلدختر. تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱۱۴: ۱۴۶-۱۲۹.
- بسحاقی، محمد رضا؛ تقدیسی، احمد؛ آقا امرایی، علی؛ دانش، کمال، (۱۳۹۵). تحلیلی بر نقش عوامل موثر بر پایداری مسکن در مناطق روستایی ایران (مطالعه موردی: دهستان ملاوی شهرستان پلدختر). فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۵۴: ۱۲۵-۱۳۴.
- بیطرف، احسان؛ حبیب، فرح؛ ذبیحی، حسین، (۱۳۹۶). نگرش بیوفیلیک رویکردی در ارتقا سطح کیفی محیط زندگی ساکنان مجتمع مسکونی. مدیریت شهری. شماره ۴۹: ۳۴۹-۳۳۱.
- بیکی نژاد، محمد علی؛ عامری صفات، علی اکبر، (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های معماری بیوفیلیک در بناهای بومی ایرانی (نمونه مودی: اقلیم گرم و خشک). کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی: ۵۰۰-۵۱۰.

- ثقفی، محمود، (۱۳۸۲). انرژی های تجدید پذیر نوین. انتشارات دانشگاه تهران. نوبت چاپ ۲. تهران.
- جعفری، عاطفه؛ مهدوی پور، حسین، (۱۳۹۲). نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۴۱: ۵۱-۶۸.
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۹۶). روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، انتشارات بازتاب، نوبت چاپ ۹، تهران.
- راهب، غزال، (۱۳۹۳). الگویی برای طراحی مسکن روستایی مبتنی بر مشارکت و تامین نیازهای ساکنین. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۴۶: ۳-۲۲.
- ربیعی فر، ولی اله، (۱۳۹۶). تبیین پایداری ساختار کالبدی - فضایی مسکن روستایی استان زنجان. نشریه برنامه ریزی توسعه کالبدی. شماره ۱: ۹۰-۷۱.
- رومیانی، احمد؛ سجاسی قیداری، حمد الله؛ منصوری، خیر النساء، (۱۳۹۷). تحلیل ساختاری - کارکردی مسکن روستایی با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: دهستان رومشگان شرقی شهرستان کوهدشت). مسکن و محیط روستا. شماره ۱۶۲: ۷۰-۵۵.
- زهری، سارا، (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی مولفه های معماری بومی با اصول و معیارهای طراحی اکولوژیک. کنفرانس ملی دانش و فناوری نوین در علوم مهندسی در عصر تکنولوژی. تهران.
- زیاری، کرامت اله، قاسمی قاسموند، ۱۳۹۷، ارزیابی شاخص های کمی و کیفی مسکن با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر سامان)، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، شماره ۲: ۱۹۷-۲۲۱.
- زیاری، سمیه، فرهودی، رحمت اله، پور احمد، احمد، حاتمی نژاد، حسین، (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل مسکن پایدار در شهر کرج، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵۶: ۵۲-۱۴۱.
- سرتپی پور، محسن؛ طوسی، سحر ندایی؛ شوک حاجی، سیما سعادت، (۱۳۹۸). ارزیابی طرح ویژگی بهسازی و نوسازی مسکن روستایی از منظر شاخصهای مسکن مطلوب و پایدار روستایی. نشریه هنرهای زیبا. معماری و شهر سازی. شماره ۱: ۲۹-۴۴.
- سرتپی پور، (۱۳۸۳). آسیب شناسی مشکلات مسکن در ایران. مجله علمی معماری و شهرسازی صفحه. شماره ۳۴: ۲۳-۴۳.
- سرتپی پور، محسن، (۱۳۹۰). پدیدارشناسی مسکن روستایی. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۳: ۳-۱۴.
- سعیدی، عباس؛ احمدی، منیژه، (۱۳۹۰). شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان. فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران. شماره ۳۱: ۷-۳۲.
- سعیدی، عباس؛ رحمانی فضلی، عبد الرضا؛ عزیز پور، فرهاد؛ محبی، علی اکبر، (۱۳۹۲). مسکن و پیوستگی ساختاری - کارکردی: بحثی در نظاموارگی فضای روستایی مورد روستاهای بخش راز و جرگلان شهرستان بجنورد (خراسان شمالی). جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیایی ایران). شماره ۳۹: ۷-۳۲.

- سعیدی، عباس؛ طالشی، مصطفی؛ رابط، علیرضا، (۱۳۹۲). نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی مورد: « روستاهای شهرستان ایجرود (استان زنجان). فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیای ایران. شماره ۳۸: ۵-۳۱.
- سیانی، محمد قاسمی، افراخته، حسن، ریاحی، وحید، عزیزپور، فرهاد، ۱۳۹۷، تبیین تحولات ساختاری - کارکردی سکونت و مسکن روستایی مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان، نشریه برنامه ریزی توسعه کالبدی، شماره ۶: ۴۴-۴۷.
- شورچه، محمود، (۱۳۹۶). جغرافیای شهری معاصر (مبانی و کاربرد). ناشر پرهام نقش. نوبت چاپ اول. تهران.
- شیرزادی، محمد رضا، (۱۳۹۲). جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱۵: ۹۱-۹۹.
- طایفی نصر آبادی، مهلا، حاتمی نژاد، حسین، ۱۳۹۷، تحلیلی بر شاخص های پایداری مسکن (مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری مشهد، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۶۶: ۳۲۷-۳۰۷.
- عزیزپور، فرهاد، اسماعیلی، مرضیه، ۱۳۹۶، جشن نامه دکتر ایرانپور جزئی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، چاپ اول، تهران.
- عزیزپور، فرهاد؛ صادقی، زهره، (۱۳۹۷). ارزشیابی اثرات اجرای طرح ویژه بهسازی بر توسعه مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان ابریشم). فصلنامه مسکن و محیط. شماره ۱۶۴: ۳-۱۲.
- علی الحسائی، مهران؛ راهب، غزال، (۱۳۸۸). آسیب شناسی توجه روستاییان به محیط طبیعی و حفظ زیست در برپایی مسکن: نمونه مورد مطالعه سکونتگاه های روستایی در استان گیلان. فصلنامه علوم محیطی. شماره ۳: ۲۰۶-۱۹۳.
- فتاحی، احد اله، (۱۳۹۵). ارائه الگوی مسکن پایدار در مناطق روستایی مطالعه موردی: روستاهای استان لرستان. رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی. استاد راهنما مهدی پور طاهری. دانشگاه مدرس.
- فتاحی، احد اله؛ پور طاهری، مهدی؛ افتخاری، رکن الدین، (۱۳۹۷). تحلیلی اسنادی مقالات - علمی - پژوهشی مسکن روستایی در دهه اخیر. نشریه پژوهش های روستایی. شماره ۳: ۴۴۵-۴۳۰.
- فرشچی، حمید رضا؛ ترکی باغبادارانی، حامد، (۱۳۹۷). بررسی فرآیند مشارکت استفاده کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی. دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی. شماره ۳: ۳۳-۴۴.
- فقیه عبد الهی، هانیه؛ اسلامی مقدم ریال علی رضا، (۱۳۹۵). چرایی استفاده از طراحی هوشمند در معماری بیوفیلیک. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی: ۱۷-۱.
- قاسم زاده، مسعود؛ کاری، بهروز؛ طهماسبی، فرهنگ، (۱۳۸۹). مسکن روستایی و ضوابط صرفه جویی در مصرف انرژی. فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۱: ۶۰-۵۱.

- قدیری معصوم، مجتبی؛ حجتی پور، محمد؛ روستا، محمد امین، (۱۳۹۳). آسیب شناسی الگوی جدید مسکن روستایی از منظر توسعه پایدار (مورد: دهستان شوسف در شهرستان نهبندان) محله برنامه ریزی فضایی (جغرافیا). شماره ۳: ۱۴-۱.
- قربانی پارام، محمد رضا؛ باور؛ سیروس، محمودی نژاد، هادی، (۱۳۹۹). ارزیابی تاثیر اصول معماری بیوفیلیک در کیفیت طراحی مسکن در اقلیم شمال ایران (مطالعه موردی: شهر گرگان). فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی. شماره ۲: ۴۰۵-۴۲۴.
- قلمبرد دزفولی، مریم؛ نقی زاده، محمد؛ ماجدی، حمید، (۱۳۹۷). تبیین مبانی عوامل موثر ر شاخص های کیفی مسکن. هویت شهر. شماره ۳۶: ۹۷-۱۱۰.
- کازرانی، فائزه؛ حنایی، تکتم؛ سید الحسینی، سید مسلم، (۱۳۹۹). تبیین عوامل موثر بر برنامه ریزی مشارکتی در محلات مسکونی جهت دستیابی به رشد هوشمند با استفاده از مدل آنتروپی شانون (مطالعه موردی محله ایثار گران مشهد). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس. شماره ۴۴: ۶۱-۸۹.
- کریمی، سپیده؛ مفیدی شمیرانی، سید مجید؛ عریانی نژاد، رضا، (۱۳۹۲). بررسی معماری سبز در خانه های مسکونی در راستای همزیستی انسان با اکولوژی (مطالعه موردی: روستایی ورکانه). پژوهش های شهری هفت حصار. شماره ۵: ۴۳-۵۴.
- کلانتری، زهرا، (۱۳۹۵). بررسی تاثیر استفاده از اصول معماری بیوفیلیک در ابعاد وجود انسان در طراحی بناها (نمونه مئردی: فرح آباد شهر سازی). چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران. معماری و شهرسازی: ۳۸۲-۴۰۰.
- گلابی، بازید؛ بازیدی، قادر؛ طهماسبی، ارسلان؛ سحابی، جلیل، (۱۳۹۷). کاوش عمیق معنای خانه بومی به روش پدیدار شناسی (مورد مطالعه: خانه روستایی منطقه موکریان ایران). فصلنامه پژوهش های روستایی. شماره ۴: ۶۴۹-۶۷۰.
- لطفی، حیدر علی، داود حس زاده، ۱۳۸۸، شاخص ها و مولفه های ضروری در برنامه ریزی و سیاست گذاری مسکن روستایی در ایران، فصل نامه جغرافیای آمایش، شماره ۷: ص ۱۰۵-۱۲۸.
- محمدی یگانه، بهروز؛ سنایی مقدم، سروش؛ چراغی، مهدی، (۱۳۹۶). پایداری مسکن روستایی بر مبنای تحلیل اطلاعات متقابل نمونه موردی: دهستان پشته زیلایی شهرستان چرام. نشریه برنامه ریزی توسعه کالبدی. شماره ۱: ۱۰۸-۹۱.
- مرادی اهری، علی رضا، ۱۳۹۴، رتبه بندی معیارهای مسکن پایدار با استفاده از روش ANP، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی: ۱-۱۵.
- معینی، سروش؛ نیک برش، گلناز؛ حسن پور، شیما؛ حلیمی جلودار، علی رضا، (۱۳۹۴). نقد و بررسی معماری پایدار و میزان تاثیر گذاری آن بر معماری معاصر. دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- مهدی زاده، جواد؛ صراف زاده، هایده؛ پیر زاده نهوچی، محمد حسین؛ مطلق، محمد تقی؛ امیری، مهین دوخت، (۱۳۸۵). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). شرکت طرح و نشر پیام سیما چاپ دوم، تهران.

میری، بهاره؛ عزمی، آئیژ؛ اکبر پور، محمد، (۱۳۹۹). تحلیل ساختاری و کارکردی
پایداری مسکن روستایی مطالعه موردی (دهستان سر فیروزه آباد) بخش مرکزی کرمانشاه. نشریه
برنامه ریزی توسعه کالبدی، شماره ۴ : ۷۳-۵۳.

نسترن، مهین؛ رعنائی، احد، (۱۳۸۹). تحلیلی بر مفهوم مشارکت و کارگروهی در پروژه
های آماده سازی اراضی مسکن مهر. آرمانشهر. شماره ۴: ۱۲۳-۱۱۱.

وفامهر، محسن؛ مجیدی، ساینه، (۱۳۸۶). دام تکنولوژی و هویت فرهنگی در معماری.
فصلنامه توسعه تکنولوژی. شماره ۱۱ : ۵-۲۰.

.Dave Davis, Josh Meyer.2013. *Aatisha Singh, Molly Wright and Paul Zykofsky, Participation Tools for Better Community Planning.* local government commission the california endowment .

Charles. L. (2007.)Choguill, The search for policies to support sustainable housing.*Journal of Habitant International*.Vol.96,No.6.:149-143.

Chiu, Rebecca .2006. "Housing affordability in Shenzhen special economic zone: A forerunner of China's housing reform". *Housing Studies*. 11 (4): 561-580.

Danbil. H.; Joe. M and Gao, Lu .2005. "*Achievements and Challenges: 30 Years of Housing Reforms in the People's Republic of China*". Asian Development Bank Economics Working Paper Series No. 198. doi:10.2139/ssrn.1619161. SSRN 1619161.

Fateh, Mohammad, Dariush . Babak, "Theoretical Foundations of Architecture." Tehran: Science and Knowledge, 2011. (In Persian)

Ibem, E. O., & Aduwo, B. E. (2015). A framework for understanding sustainable housing for policy development and practical actions :1-18.

Kellert, Stephen R. & [others]. (2008), *Biophilic Design: The theory, Science, and practice of ringing Building Life*. Hoboken, New Hersey: John Wilcy & Sons, Inc.

Maliene, V. &Malys, N (2009).Highquality housing-A key issue in delivering sustainable communities. *Building and Environment*, 44(2): 426-430.

Masnavi, Mohamad Reza. (2003) .Sustainable Development, Urban S) Sustainability and Ecological Philosophy:the ememrgence of theoretical confilict and the necessity establishing common grounds for sound actions: *journal of Environmental Studies* . Vol 28No . 30 : 11- 22.

Mlecnik,E. (2013) *Innovation Development for Highly Energy-Efficient Housing*, Delft University Press.

Norberg-Schulz. C. (2000).Architecture: Presence. Language. Place. Milan. Akira.

Sharifi, Abdolreza and Azarpira, Morteza, (2015). Investigating the Modeling of the Natural Environment in Urban Architecture and Using Biofilica Theory (City in the Garden) and Comparison with Urbanism Approach in Isfahan School, Second National Conference on Sustainable Urban Architecture and Landscape(.in Persian)

Wilson, Edward O. (1992) “*The diversity of life*”. Harvard University Press.